

خانوادگانه

علل سقوط جامعه

جاهلان شما پر تلاش و آگاهان شما تن پرور و کوتاهی ورزند! نهج‌البلاغه حکمت ۲۸۳

«ت» مثل «تسویف»

• جواد مذحجی

یا عالی من استعلاه

یادش به خیر! در سال‌های خیلی دور، وقتی که در اوج نوجوانی و در دوران دبیرستان روزگار می‌گذرانیدیم، معلمی داشتیم که انسانی بسیار پر انرژی و فعال بود به گونه‌ای که - به قول اهالی مدرسه قرآنی - خودم بارها نفس نفس زدن‌های عادياتی‌اش را به چشم دیده بودم. یادم هست که یک روز در ایام سخت و پر التهاب امتحانات، از من پرسید: «اگر در روز امتحان، اعلام شود که امتحان دو روز عقب افتاده چه می‌کنی؟»

اگر چه در آن روز من جواب مشخص و واضحی به این سؤال ندادم اما بعد از این همه سال، همیشه این پرسش همچون یک «دیپازن تحریک شده» در گوشم

خوشه‌چینان

ماهنوز هستیم

تک‌خوشه

تاشکستن حصر غربت مولا

• هانے چیت چیان

حماسه‌ات در میانه میدان دیدنی است، که جنگیدن تو تجلی تمام نمای ایمان بود، توحید بود که زره پوشیده و در میان کارزار معرکه به پا کرده بود. سریع‌ترین اسب‌های مسابقه و جنگ هم چنانکه اسب تو نفس‌نفس می‌زد نمی‌دویدند، برق جهیده از سم اسبت، گواه زمینی نبودن سوارش بود. جان عالمیان به فدای گرد و غبار برخاسته

اللهم عجل لوليک الفرج

منتظر کاشف باشید

و مرد ساده دل بر پایهٔ جهل مبتنی بر تصوراتش اوضاع را همان‌طور انگاشت که از قبل می‌پنداشت، فلذا جمع‌آوری اسکناس‌های معلق در هوا را به فردا و پس از رفع خستگی موکول کرد!

شاید اگر زمان، این همه با ارزش نبود، مسئله «تسویف» هم این اندازه موضوعیت پیدا نمی‌کرد که کلایهٔ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را برانگیزد.

پرسش معلم عادياتی هم برگرفته از همین دغدغه و کلایه مولا بود و قطعاً همهٔ ما هر روز و شب در برابر نسخه‌های مختلفی از این سؤال قرار داریم.

از «جاهلان تنبل» تا «عالمان پُرکار» راه زیادی است؛ مثل فاصله بین ظاهر و باطن پایتخت! قطعاً ما حق نداریم «جاهل تنبل» باشیم همان‌طور که اجازه نداریم «عالم پُرکار» نباشیم. در ضمن یادمان باشد که غفلت از زمان و محدودیت‌های آن در خوشبینانه‌ترین شرایط ما را از «عالم پُرکار» به «عالم تنبل» تنزل درجه می‌دهد.

آخرکلام آن‌که غفلت کلاً چیز خوبی نیست و باید از آن بر حذر بود که:

«گر تو نانی به کف آری و به غفلت بخوری

ابر و باد و خورشید و فلک بر باد است»

ناتنان بی غفلت باد.

نکند فکر کرده باشید که چون تابستان است و ماه رمضان است و جلسه خوشه‌چینان برگزار نمی‌شود، اهالی خوشه‌چینان دست از خوشه‌چینی برداشته‌اند. ما هنوز هستیم، حتی به قدر آب باریکه‌ای ...

از این مجاهدت، که حصر دشمن را شکسته و در میانه قرار گرفت. فقط آقا جان!

در آن صحنه انگار تنها نبودی! خدا به اسب‌های مجاهدان قسم خورد. پس آن روز که تو در حصر دشمن بودی، کجا بودند آن مجاهدان الهی که با نفس‌نفس زدنشان حصر دشمنان دور تا دور تو را بشکنند. نکند کندی، مرام این عمرهای ما شده است، که این همه سال حصر غربت تو نشکسته است، پس چگونه است که ادعای محبت تو را در سینه داریم؟! چه سود سینه‌ای را که هرم نفس‌هایش بند از دست و پای شما وانمی‌کند!

آقا جان! سینه‌هایمان را از محبت خود آکنده کن، و رسم جهاد را مشق زندگی‌مان، تا جمعی باشیم در کنار آن امام که با ظهورش حصر غربت تو را در هم می‌شکند.

منتظر

کاشف

۱۶

باشید

کاشف

سه شنبه
۲۵ مرداد ۱۳۹۰
شماره ۱۵
هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری
مدرسهٔ دانتنجویه قرآن و عترت
دانشگاه تهران
www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه‌چینان وحی
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره
۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید
برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف
نام خود را به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید



امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) فرمود:

هر کس نشناسد چه چیزهایی بد رفتاری با ما اهل بیت محسوب می‌شود، با کسانی که به ما بدی کردند شریک خواهد بود.
ترجمه «موسوعة الکلمات الامام الحسن (علیه‌السلام)» ص ۲۱۷

به نام ســــــــــــــــلام

رایحه شباهت

- کاظم رجبعلی**

سال‌ها پیش در یکی از کتاب فروشی‌های میدان انقلاب کتابی را ورق می‌زدم. دقیقاً یادم نیست چه کتابی بود اما دو چیز از آن را به خاطر دارم، یکی نویسنده که مرحوم علامه عسکری(رحمةالله‌علیه) بود و دیگر صفحه اول آن کتاب را که علامه بزرگوار به مادر عزیزشان خدیجه(سلام‌الله‌علیها) تقدیم کرده بود. دلم يك جوری شد، آنقدر از این کار خوشم آمد و آنقدر احساس محبت به نویسنده اثر و جناب خدیجه(سلام‌الله‌علیها) کردم که حرارت این عشق را تا الآن هم احساس می‌کنم. بعدها که حضرت علامه مرحوم شده بودند در محضر یکی از شاگردانشان نکته‌ای مرتبط(البته به نظر من) با این ماجرا شنیدم که حال من کم جنبه و ندید بدید را بیشتر منقلب کرد. ایشان نقل می‌کرد که حضرت علامه خودشان



این اواخر نقل کرده بودند که در اوان جوانی و در سال اول بلوغ، روی پیشانی خود با انگشت نوشتند وقف، و تا این زمان که ایام آخر عمرشان بوده به احکام وقف پایبند بوده‌اند. فکرش را بکن یعنی مال خودش نبوده و از خودش استفاده شخصی نمی‌کرده ... این نقل خاطره من را یاد آن کتاب، آن نوشته‌ای انداخت که پیش از این عرض کردم و عطر مادرمان خدیجه(سلام‌الله‌علیها) را از این رفتار استشمام کردم. بعد به روایتی برخورد کردم که این روایت عطر این بانوی بزرگوار را برابم بیشتر تداعی کرد، آنقدر بیشتر که ماجرای تعریف شده و نتیجه‌اش به اندازه قطره‌ای در مقابل اقیانوس است و آن روایتی است که از امام حسن مجتبی(علیه السلام) شنیدم، روایتی که در ذیل سوره مبارکه انفطار و در توضیح آیه «ما شاء رکبک» فرمود: امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) شبیه‌ترین افراد به رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) بودند و امام حسین(علیه السلام) شبیه‌ترین افراد به فاطمه(سلام‌الله‌علیها) هستند و من (یعنی امام حسن(علیه السلام)) شبیه‌ترین افراد به خدیجه کبری(سلام‌الله‌علیها) هستم.
جانم به فدای کریم اهل بیت و مادر عزیزش که چقدر به هم شباهت دارند.

اتمام کتاب؛ آغاز راه

نگارش کتاب شریف «تعقل اجتماعی» در ایام ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی(علیه‌السلام) به پایان رسید. گفتنی است که در شماره ۸ کاشف، خبری از نحوه تألیف این اثر که ماهیتی جمعی و اجتماعی داشته به نظر خوانندگان محترم رسیده بود. این کتاب در کنار کتاب «تعقل» می‌تواند بخش مهمی از دغدغه‌های پژوهشی مدرسه دانشجویی قرآن و عترت(علیهم‌السلام)را پاس‌خگو باشد.

همایش سوره مبارک ه فجر؛ دعوت به همکاری

همایش در حال آماده سازی جزوات محتوایی هستند. طبق برنامه زمانبندی بسته محتوایی باید حداکثر تا یک ماه دیگر

آماده شود، لذا بخش پژوهشی از دوستانی که توان کمک کردن در کار محتوایی را دارند دعوت به همکاری می‌نماید.

گذشته خود فکر کردم و به این که چقدر این موضوع در زندگی من جایگاه داشته است، این سوال‌ها در ذهنم تجلی یافت که: راستی ازکجا می توان فهمید که جامعه به سمت کمال خود در حرکت است یا در خلاف جهت؟ سرعت حرکت افراد را چه چیزی تعیین می کند؟ آیا این که بگوییم من خودم عمل صالح انجام می‌دهم کافیهست، چه کار دارم به بقیه، این حرف ضامن رشد من است یا نه؟ آیا می‌شود جامعه‌ای را تصور کرد که بدون ولی و نذیر باشد؟

این درس به من آموخت که حرکت‌های اجتماعی برای خارج شدن از تقلید کورکورانه، جو دروغین، سلیقه های شخصی و ... نیازمند میزان ومعیار است و قرآن این میزان را با نذیر معرفی می کند.

رسول، نذیر و نبی کسی است که توان دریافت وحی الهی را داشته ومی تواند آن را به انسان ها که نیازمند آنند برساند. تازه این رسول برای بهره مندی انسان از

ملکوت اجر و پاداشی نمی خواهد. درحقیقت تفکر و تعقل وقتی فعال می شود که نذیر در جامعه باشد. و سرعت حرکت انسان بر اساس ولایت پذیری شخص تعیین می گردد. در واقع کشتی در عالم به سمت کمال خود درحرکت است که راه ورود به این کشتی حب به ناخدای کشتی و مقصد و مأوا است و بغض نسبت به مخالفان. وانجام عمل صالح زمانی منجر به رشد می شود که فرد هماهنگ و هم جهت با ناخدای کشتی باشد. دلبستگی به جمعی یا بغض داشتن نسبت به آن درحرکت شخص دخیل وتعیین کننده است.

اندر احوالات شب قدر	
<div>گزارشی از دوره مقدماتی تدبّر در قرآن، جلسه چهارشنبه نوزدهم مرداد</div>	

- سیده زینب رضوی کشمیر**

در حال و هوای روزهای ماه رمضان اسم شب قدر را که می شنویم ،جدای از شیرینی و اشتیاقی که برای آمدنش داریم ، نوعی اضطراب و دلهره به سراغمان می آید که شاید ناشی از بزرگی و عظمت درک نشدنی این شب است. مدام از خودمان می پرسیم چه کنیم که نهایت استفاده را از این شب خاص ببریم! دلمان شور می‌زند که نکند صبح شود و ما دست خالی... آنچه که می نویسم حاصل تدبیر جمع کلاس و صحبت های استاد است پیرامون سوره قدر، شاید به درک ما از این شب درک نشدنی قدری بیفزاید.

شب قدر، شبی است برتر از هزار ماه و شاید علت این برتری شناخت و درک حاصل از آن است.

در این شب قرآن ، ملائکه و روح نازل می شوند. این سه نزول معنایی عمیق خواهند داشت:

نزول قرآن به معنی در دسترس قرار گرفتن حقیقت والای قرآن است.

از آنجایی که ملائکه واسطه تدبیر و تقدیر الهی اند ، نزول آنها به معنی تجلی جلوه ای از آ نها در عالم مُلک و وساطت در حیات است.

روح از حیثی ماده و جوهره اصلی حیات است و نزول روح به معنای متجلی شدن و در دسترس قرار گرفتن منبع حیات است. یادمان باشد به حیات در سطوح پایین قانع نشویم... ما برای رسیدن به اوج حیات آمده‌ایم... شاید حیاتی در سطح حیات اصحاب امام حسین(علیه‌السلام).

درشب قدر تمام هستی در حال رقم خوردن است و تمام حیات ها در حال تغییر.

پرونده

پایان نامه | صفحه دوم

- محمدعلی زارعیان**

به عنوان صفحه دوم از پرونده پایان نامه خلاصه نکات حاصل از مصاحبه با آقای چیت چیان خدمتتان ارائه می شد:

۱. پایان نامه یعنی پایان یادگیری روشهای فهم سوره ها، که در حقیقت مسیری است برای سنجش تسلط افراد بر روشها، نه تسلط بر سوره. در حقیقت پایان نامه توانایی فرد را برای فهم و ارائه مستدل و مستند سوره ها را می سنجد، و مرحله ای مقدماتی است برای تولید علم مبتنی بر قرآن.

۲. در پایان نامه باید شش محور مورد توجه قرار گیرد: اول: استخراج نکته از سوره یا به عبارتی باز کردن سوره. دوم: جمع بندی نکات سوره در قالب یک

خاصیت این شب تغییر حیات انسان هاست اما به شرطی که ما آماده تحول باشیم. به میزان قدر و اندازه و ظرفی که داریم از حیات بهره می بریم. و نکته پایانی و مهم این جاست که جلوه شب قدر در فجر است. اگر کسی به حیات شب قدر دست پیدا کند، روزش فجر می شود. عاشورا فجرِ شب قدرِ عاشوراییان بود. اگر حرکت عاشورایی می خواهیم باید در شب قدر حیاتی بلند بخواهیم که این حیات محقق نمی شود مگر با علم(شناخت) و عمل.

شنیدنی‌های شیرین‌تر از عسل	
<div>گزارشی از کلاس مروری بر سوره‌های قرآن کریم، جلسه شنبه بیست و دوم مرداد</div>	

- فاطمه صادقی قهرود**

به برکت مصادف شدن ماه رمضان و تابستان، دیدن آب تصویر خوبی از تشنگی و عطش در ذهن انسان تداعی می‌کند. شیرین است سیراب شدن انسان‌ها. آدم های متفاوتی را به خود دیده است این کلاس سالخورده مدرسه. از وقتی مدرسه پا به عرصه حضور گذاشت، او بود. در طول عمرش سوره های زیادی را به خود دیده است، از فاتحه‌الکتاب تا سوره هایی که ابتدایشان با حمد، الم، الر، حم، واو های قسم، اذا و... شروع شده است.

با هم بودن و کند و کاو کردن در این کلاس به ما یاد داد تا رشد کنیم و بدانیم و بفهمیم که سیراب شدن دسته جمعی لذت‌بخش‌تر است. بی پرده سخن گفتن و از هر دری سوال داشتن اگرچه شاید ما را از آنچه قبلا از اغراض سوره‌ها در ذهنمان بود دور می کرد، اما فضا را صمیمی می‌کرد تا شاید علم و درک پیدا کنیم که ذهن هر انسانی درگیر چه مسائل و مشکلاتی است. این هفته بر سر سفره جمع بندی سوره های تکویر، انشقاق، انفطار، واقعه، زلزال میهمان بودیم. کسانی که خافضه رافعه می شوند کسانی هستند که بین ظاهر و باطن شان تمایز وجود دارد.

هرچه انسان به ساحت قدس و نزاهت نزدیکتر می شود فاصله بین غیب و شهودش کمتر می شود.

قرار شد از مهرماه کلاس با حضور و غیاب انجام شود و میهمان سوره های بلندی چون نساء باشیم.

انشاءالله

غرض مشخص. سوم: رویت غرض به دست آمده در تمام قرآن و بررسی آن در نگاه کلان قرآنی. چهارم: تبدیل غرض مفهومی به مدلی عملیاتی و کاربردی در جامعه. پنجم: توانایی انتقال فهم به دست آمده از سوره ها به صورت مستدل و منطقی، با رعایت حد واسطها به مخاطبین. ششم (اختصاصی ترین محور): پیدا کردن روش خاص تدبری برای سوره مورد تدبیر. البته در تمام این محورها روشهای مختلف به کار می آیند.

۳. گرچه پایان نامه خوب، نشان دهنده فهم خوب روشهاست؛ ولی ضرورتا نشان دهنده فهم خوبی از سوره نیست. چرا که روشها برای فهم سوره لازم هستند، ولی کافی نیستند. برای فهم سوره طهارتی باطنی لازم است، که زحمت خاص خود را نیاز دارد. به قول شاعر: علم دنیا سر به سر قیل است و قال/ نه از آن کیفیتی حاصل نه حال.

در انتها از آقای چیت چیان به خاطر زمانی که در اختیار ما قرار دادند، کمال تشکر را داریم.